فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۲، پاییز ۱٤۰۰،صفحات ۱۸۱-۱۵۸

مقاله پژوهشی

تعلق شهری و حق به شهر، مورد مطالعه: جوانان شهر آمل

روزبه نصیری آملی[۱]، منصور حقیقتیان[۲]، علی اصغر عباسی اسفجیر[۳]

تاریخ دریافت: ۱٤۰۰/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۰/۰٦/۲۰

چکیده

فضای شهری در راستای تحقق خواسته‌های نظام سرمایه‌داری، طبقه‌ی حاکم و بدون توجه به نیازهای طبقات فرودست ساخته می‌شود. حق به شهر، حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییردادن شهر و به رسمیت‌شناختن شهر به مثابه مکانی برای بازتولید روابط اجتماعی قدرت است. هدف این پژوهش بررسی رابطه و تأثیر تعلق شهری یا مکانی به همراه دو بعد هویت و وابستگی مکانی بر حق به شهر در میان جوانان شهرنشین آمل است. جمعیت مورد مطالعه ٤۲۰ نفر از جوانان ساکن شهر آمل هستند که با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب و برای تعیین میزان پایایی ابزار سنجش، از روش آلفای کرونباخ استفاده (۰/۷۵۹) شده است. تحلیل داده‌های پژوهش از طریق دو نرم‌افزار SPSS و Amos انجام شد. در بررسی تأثیرات متغیرهای مستقل بر حق به شهر مشخص شد که احساس تعلق مکانی با ضریب بتای ۰/۲۵۵ دارای بیشترین تأثیر مستقیم و بعد از آن هویت اجتماعی مکانی با ضریب بتای ۰/۲۲۲ به صورت مستقیم قرار دارد و هویت مکانی با ۰/۰۹۷ دارای کمترین تأثیر غیرمستقیم است. یافته‌ها نشان داد که وضعیت کلی حق به شهر در بین جوانان ساکن شهر آمل در حد متوسط است. جوانان آملی حس تعلق نسبتاً خوبی به این شهر دارند و برای تغییر وضع موجود تلاش می‌کنند؛ اما فرصت‌های ایجادشده را کافی و عادلانه نمی‌دانند.

[۱] دانش‌جوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، دهاقان، ایران.
nasiriamoli@gmail.com

[۲] دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، دهاقان، ایران (نویسنده‌ی مسؤول).
mansour_haghighatian@yahoo.com

[۳] دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، بابل، ایران.
asfajir@hotmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

واژه‌های کلیدی: حق به شهر؛ تعلق مکانی؛ آمل؛ هویت.

مقدمه و طرح مسأله

در حال حاضر، در اغلب شهرهای جهان، مفهوم حق به شهر، به مثابه کنشی برای گسترش حقوق زیست ساکنان شهری محسوب می‌شود. (پرسل[1]، ۲۰۱٤: ۲) شهر مجموعه‌ای از فضاهاست. فضاهایی که یکی از وجوه تمایز محیط شهری با محیط غیرشهری (روستایی، طبیعی، دست‌نخورده و واژگان دیگری که می‌توان در مقابل شهر قرار داد) است. فضا مفهومی ادراکی است. ادراک از فضا را نمی‌توان به‌عنوان عنصری یکپارچه در نظر گرفت که در تمامی افراد یکسان است. یک فضای واحد می‌تواند بسته به سن، جنسیت، قومیت، طبقه‌ی اجتماعی و متغیرهای دیگر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی به اشکال متفاوتی ادراک شود. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که آرمان‌های حقوق بشر، چه از نظر سیاسی و اخلاقی، نقش عمده دارند و نیروی بسیاری برای ترویج آن برای ایجاد جهانی بهتر شده است (هاروی، ۱۳۹۱: ٤). پرسش از ذات و ماهیت انسان و نیز نسبت او با دیگران (مقوله‌ی هویت) گوهر اصلی اندیشه و تفکر انسان در طول حیات روانی، فکری و تمدنی وی بوده و دغدغه‌ی اصلی بشر را تشکیل می‌داده است. هرچند هویت از آغاز تمدن، ذهن آدمی را به خود مشغول داشته، هرگز رنگ کهنگی به خود نگرفته و در دوران مختلف به شکل‌های گوناگونی ظاهر شده و به تعبیر جاکوبسن[2] «آدمی همواره دلبسته‌ی احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی خود بوده است» (تاجیک، ۱۳۸٤: ۲٦).

در دهه‌های اخیر، رشد و گسترش روزافزون شهرها از یک سو و اهمیت مطالعه در زمینه‌ی زندگی شهری و شیوه‌های دست‌یابی به حقوق شهروندی از سوی دیگر سبب شده است تا زمینه‌های لازم برای طرح مباحثی در مورد مفهوم حق به شهر مطرح گردد. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که آرمان‌های حقوق بشر، چه از نظر سیاسی و چه اخلاقی، نقش عمده یافته‌اند و نیروی بسیاری صرف ترویج اهمیت آن برای ایجاد جهانی بهتر شده است (هاروی، ۱۳۹۱: ٤). جامعه-شناسی شهر و فضا یکی از زیرشاخه‌های رشته‌ی جامعه‌شناسی است که در دهه‌ی اخیر بیش از پیش مورد توجه اندیش‌مندان این رشته قرار گرفته است. این شاخه از جامعه‌شناسی به نظر

[1] Purcell
[2] Jacobson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اندیش‌مندان این حوزه، مدت‌ها از نوعی بحران نظری و موضوعی رنج برده است؛ این بحران تا حدی ناشی از ماهیت متغیر امر شهری در طول سده‌ی بیستم و خیزش مطالعات میان‌رشته‌ای در ارتباط با شهر است (می[1] و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۴۳). این مسائل در کنار روندهای رو به رشد نرخ شهرنشینی در جهان و ایران، نشان‌دهنده‌ی اهمیت مطالعات شهری در جهان امروزی است.

شاخص شهرنشینی ایران نسبت به میانگین جهانی بسیار بالاست و در حال حاضر، حدود سه چهارم جمعیت کشور در مناطق شهری زندگی می‌کنند (مشفق و حسینی، ۱۳۹۱: ۳۵). شهرها در طول چندین دهه‌ی اخیر تحولات اجتماعی- اقتصادی شگرفی را در نتیجه‌ی جهانی‌شدن تجربه کرده‌اند (مهدوی و نصیری آملی، ۱۳۹۶: ۷۵۱).

در شهرهای ما امروزه بر اساس نیازی که زندگی اجتماعی شهری ایجاب می‌کند، حق استفاده از فضاهای شهری، برای کار کردن و تفریح‌کردن و موارد مشابه برای زندگی مناسب، آن‌چنان که باید تأمین نشده است. تعداد قابل توجهی از جوانان از بیکاری و عدم مشارکت در تصمیم گیری‌های شهری و بی‌توجهی مسؤولان نسبت به نقش جوانان در هویت شهری گلایه دارند. آن‌ها معتقدند اگر در تصمیم‌گیری‌ها سهیم باشند نتیجه‌ی بهتری حاصل خواهد شد. این مطالعه می‌تواند اهتمامی جدید برای عملیاتی‌کردن یک نظریه‌ی توان‌مند و طرح دوباره‌ی یک موضوع قابل بحث و قدیمی در این حوزه تلقی شود.

جوانان به‌عنوان سرمایه‌های انسانی جامعه محسوب می‌شوند و با توجه به تغییر و تحولات سریع جامعه لزوم پژوهش و شناخت وضعیت آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. از سویی بر اساس آمار، ایران در حال حاضر از کشورهای با جمعیت قابل توجه جوان است؛ از سوی دیگر حق به شهر، حق تغییردادن خودمان از طریق تغییردادن شهر و به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای بازتولید روابط اجتماعی قدرت است و این میل به تحول خواهی و تغییر به خاطر روحیه‌ی جوانی در این رده‌ی سنی بیشتر دیده می‌شود، دست‌یابی مطلوب به نوع نگرش جوانان به هویت از بعد اجتماعی و احساس تعلق به سرمایه‌ی فرهنگی و شهر به مفهوم زیستگاه و همین‌طور جلب مشارکت جوانان برای بازتولید فضا، هم درجه‌ی امید به آینده را بالا می‌برد و هم مایه‌ی

[1] May

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اعتماد نهادهای اجتماعی به ویژه نهاد حکومت به آنان و نقش آن‌ها در ضمانت زیست‌جمعی در دهه‌های آینده است.

در این پژوهش تلاش شده تا بررسی ارتباط و تأثیر هویت اجتماعی و وابستگی اجتماعی با حق به شهر مورد بررسی قرار گیرد و با بهره‌گیری از تئوری هانری لوفور[1] علاوه بر تحلیل مفهوم حق به شهر در پی پاسخ به این سؤال هستیم که شهر مطلوب، به‌عنوان عرصه‌ی عمل، برای جوانان آملی که اتفاقاً در گروه‌های مختلفی مثل هلال احمر، محیط زیستی، هنری، فرهنگی و... عضویت دارند، چگونه شهری است؟ و جوانان چه احساس تعلقی به مکان سکونت خود و حق به شهردارند؟

پیشینه‌ی پژوهش

شارع پور و رهبری (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه‌ی لوفور در تهران»، نظریه‌ی حق به شهر لوفور را به آزمون گذاشته و میزان کاربست‌پذیری آن را در زمینه‌ی اجتماعی- شهروندی ایران ارزیابی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مفهوم تولید فضا تأثیر معناداری بر ادراک از حق به شهر در تهران ندارد. معروفی و وحیدی برجی (۱۳۹٤) در تحقیقی با عنوان «فضا و تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه‌ی نواب در تهران و لادفانس در پاریس»، پس از بررسی اندیشه‌های لوفور به استخراج نمودهای فضایی ایده‌ی حق شهری به‌عنوان مدل مفهومی پژوهش، به منظور دو نمونه‌ی موردی (پروژه‌ی نواب در تهران و لادفانس در پاریس) پرداخت. یافته‌های حاصل از پژوهش در قالب دو اصل معرفی شدند: ۱ - حق شهری می‌تواند به‌عنوان معیاری برای ارزیابی پروژه‌های شهری قرار گیرد. ۲ - مداخلات کالبدی به دلیل تغییر در شیوه‌ی زندگی و حقوق اجتماعی افراد و گروه‌ها تأثیری مستقیم بر حق شهری دارند. رفیعیان و الوندی پور (۱۳۹۵) در پژوهشی مفهوم‌پردازی اندیشه‌ی حق به شهر، در جست‌وجوی مدلی مفهومی، به بازشناخت و تحلیل مفهوم حق به شهر پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که مفهوم حق به شهر شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. یغفوری و کاشفی دوست (۱۳۹۷) در پژوهشی به ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر می‌پردازند. نتایج تحقیق

[1] Lefebvre

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نشان‌دهنده‌ی نارضایتی شهروندان در دو مؤلفه‌ی حکمرانی شهری و دسترسی فضایی است؛ ولی در شاخص‌های شمولیت اجتماعی و سرزندگی شهری تا حدودی رضایت شهروندان را به همراه داشته است. پورمحمدی و روستایی (۱۳۹۸) در پژوهشی به منظور بررسی نقش حق به شهر بر احساس تعلق در میان گروه‌های جنسیتی به مفهوم حق به شهر به‌عنوان رویکردی جدید در شکل-گیری احساس تعلق به شهر پرداخته‌اند. تلاش این محققان نشان می‌دهد رابطه‌ی معنادار و مستقیمی بین شاخص‌های حق به شهر با تعلق شهری وجود دارد.

دی سرتو[1] (۱۹۸٤) از اندیش‌مندانی است که به نظریه‌ی جامعه‌شناسی لوفور توجه و به تکمیل آن کمک کرده است. او در ارتباط با مفهوم حق شهر نیز مقالاتی نظری تدوین کرده است. دی سرتو معتقد است که اعمال روزانه‌ی شهری و به خود اختصاص دادن فضای شهری باعث پویایی و رقابت افراد با مفهوم هژمونیک از شهروندی است. ماسی[2](۱۹۹٤) نیز در یک بررسی نظریه‌ی توجه خود را به حقوق شهروندی و فضاهای عمومی قرار داده و با بررسی داده‌های بین‌المللی به این نتیجه رسیده است که فضای شهری تعلق کمتری به زنان دارد و در بیشتر فرهنگ زنان به-خصوص زمانی‌که در آن باشند، می‌توانند از فضاهای عمومی شهری و خیابان‌ها استفاده کنند. پرسل (۲۰۰۲) در مقاله‌ای به مؤلفه‌های حق به شهر سیاست‌های شهری و شهروندی می‌پردازد و نظریه‌ی لوفور را که دارای پیچیدگی‌های نظری بسیاری است، به‌خوبی تشریح کرده و با اتخاذ دیدگاه انتقادی پیشنهاداتی در مورد امکان بهبود نظریه و استفاده از آن برای انجام پژوهش‌های جامعه‌شناختی ارائه می‌دهد. پرسل (۲۰۰۳) در مقاله‌های دیگر در ارتباط با مفهوم جهانی حق به شهر، بر لزوم آزمون نظریه‌ی لوفور و بررسی میزان تعمیم‌پذیری آن نیز تأکید دارد که این مهم یکی از اهداف پژوهش حاضر است. بهان[3] (۲۰۰۹) حق به شهر را در شهر دهلی بررسی کرده است و به ویژگی‌های فراگرد و تصمیم‌گیری‌های کلان در مورد شهر دهلی اشاره کرده و به این نتیجه می‌رسد که شهر دهلی اساساً فقر را در زمره‌ی شهروندان رسمی به شمار نیاورده و عدم رسیدگی به امور فقرا و برخورد با آنان به مثابه انگلان جامعه حق فقر را به شهر زایل کرده است. سیاست‌های تخریب سکونت غیررسمی فقرای شهری قرار دارد که حق سکونت آنان را زایل

[1] DeCerteau
[2] Massey
[3] Behan

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

می‌کند. لئونتیدو [1](۲۰۱۰) مفهوم‌پردازی‌های بین‌المللی از مفهوم حق به شهر را بررسی می‌کند و با استفاده از مطالعات تاریخی در کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که در سده‌ی بیستم میان شمال و جنوب اروپا تفاوت‌های عمده‌ای در حقوق بشر وجود داشته است. با وجود این در سده‌ی بیست و یکم با ایجاد تغییرات بنیادین در نظام‌های اجتماعی- سیاسی، فروپاشی نظام‌های دیکتاتوری سده‌ی بیستم، ایجاد جامعه‌ی مدنی قوی‌تر و به وجود آمدن جنبش‌های جدید شهری این شکاف رفته رفته از میان برداشته شده؛ کشورهای جنوب مانند ایتالیا و اسپانیا نیز شاهد قدرت یافتن حق به شهر شدند. هاروی و مری فیلد[2](۱۳۹۱) در نوشته‌ی خود پیرامون حق به شهر و بحران‌های ملی به جنبش‌ها و حرکت‌های شهری که درواقع نمود بارز چیزی است که لوفور پراکسیس شهری می‌نامند، همین جنبش‌های شهری در مفهوم تولید فضا یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده‌ی حق به شهر است نیز متولد می‌شود و در مطالعات اخیر در حقوق شهری محوریت می‌یابد و نویسندگان شهری را یکی از بارزترین نمودهای تولید فضا توسط شهروندان می‌دانند. یعنی زمانی‌که نوعی اراده‌ی جمعی غیررسمی تسلط خود را بر فضای شهری سیطره می‌بخشد. کولمن[3] (۲۰۱۳) دیدگاه شهری لوفور را مورد بررسی قرار می‌دهد و جنبه‌های آرمان‌شهرگرایانه‌ی آن را آشکار می‌کند و معتقد است که گرچه تحلیل لوفور از شهر تحلیلی واقع‌گرایانه است؛ اما پیوند میان این دیدگاه‌ها در ارتباط با فضا با گرایش‌های مارکسیستی و فرجام‌گرایانه‌ی اندیشه لوفور نوعی نگرش اوتوپیایی است که خود را در فضای زیسته‌ی لوفور نشان می‌دهد. جیمز[4] (۲۰۱۳) از حق به شهر برای بررسی مشارکت شهروندان در شهر سیدنی استرالیا استفاده می‌کند و با استفاده از مفاهیم دوگانه‌ی شهروند ساکن شرق نشان می‌دهد که بومیان استرالیایی اگرچه شهروندان شهر سیدنی هستند و با سایر گروه‌های قومی و نژادی هم‌زیستی می‌کنند؛ اما نقش آن‌ها در فضاهای شهری ـ چه به لحاظ مشارکت در توسعه‌ی شهری چه به لحاظ حضور و استفاده از شهر ـ بسیار محدود است. در ادامه این بحث را مطرح می‌کند که سازوکارهای قدیم فرهنگی بودند که عامل وجود چنین مسائلی هستند، نه یک رویکرد عامدانه از سوی مردم یا دولت. هانکوک[5] (۲۰۱۷) در پژوهش حق به شهر،

[1] Leontidou

[2] Merrifield
[3] Coleman
[4] James
[5] Hancock

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تبعیض جنسیتی، سیاست‌های فضایی در شهر و تناقض سیاست‌های شهری در فرانسه را با اشخاص حق به شهر نشان می‌دهد و چشم‌اندازی از سیاست‌های فضایی مرتبط با جنسیت در شهر را پیشنهاد می‌دهد و شیوه‌هایی را برای ارتقا و بهبود حق به شهر زنان در محیط محله بیان می‌کند. فنستر[1] (۲۰۱٦) به بررسی مفاهیم تحلیلی جدید در مورد حق به شهر با نگاهی به مؤلفه‌های قومیت و جنسیت بر اساس زندگی روزانه می‌پردازد. در این پژوهش، به روابط نابرابر قدرت و نادیده-گرفتن نقش زنان به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر حق به شهر اشاره می‌شود و قدرت جمعی در تغییر فرآیندهای شهری و تحقق حق به شهر مؤثر دانسته می‌شود. همچنین تمرکز بر فعالیت روزانه عاملی است که شایستگی‌های خود را در دست‌یابی به حق به شهر اثبات کرده است. از سوی دیگر، نقش محوری فضاها در شکل‌دهی شبکه‌های فعال مرتبط با حق به شهر اهمیت خاصی دارد. تاولاری[2] (۲۰۲۰) در مرور تاریخچه‌ای از مفهوم حق بر شهر به بازسازی پیدایش و توسعه‌ی این مفهوم به رابطه‌ی بین تاریخ ایده‌ها و تاریخ مبارزه‌های اجتماعی پرداخته است تا نشان دهد که تنوع معنایی که امروزه به شهر نسبت داده می‌شود بر ارتباط اجتماعی و نظری آن تعیین‌کننده است.

در بررسی نهایی پیشینه‌های داخلی و خارجی می‌توان به این نتیجه رسید که در پژوهش‌های انجام‌شده به گروه‌های اجتماعی توجه نشده است و تنها در چند پژوهش گروه زنان با نگاه جنسیت مورد مطالعه قرار گرفته است. در هیچ‌کدام از پژوهش‌ها، گروه مهم جوانان که بخش مهم و اثرگذار جامعه هستند، مدنظر قرار نگرفته‌اند. از سویی تاکنون در شهر آمل پژوهشی برای بررسی نگرش ساکنان این شهر نسبت به حق به شهر انجام نشده است. در تمامی پژوهش‌های انجام‌شده حضور هم‌زمان سه متغیر تعلق مکانی، هویت اجتماعی مکانی و دلبستگی اجتماعی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر حق به شهر مورد بررسی قرار نگرفته است. از سویی شهر آمل بیش از۵۰ درصد صنایع مازندران را در خود جای داده است. علاوه بر اینکه آمل قطب کشاورزی مازندران نیز هست، به خاطر وجود جاذبه‌های طبیعی و موقعیت جغرافیایی و جاذبه‌های گردشگری مانند قله‌ی دماوند و نزدیکی به ساحل دریای خزر و جنگل هیرکانی چند هزارساله مورد توجه گردشگران است و از سوی دیگر یکی از اهداف انبوه‌سازان و سرمایه‌گذاران اقتصادی در حوزه‌ی ساختمان و تولید فضا است. به نظر می‌رسد که روند توسعه و تولید فضا در این شهر به سمت منافع سرمایه-

[1] Fenster
[2] Tavolari

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

داری نیل می‌کند. نکته‌ی قابل تأمل در خصوص این پژوهش این است که طرح سؤالات مطرح-شده بین جوانان، آن‌ها را نسبت به موضوع این پژوهش و اهداف آن کنجکاو و مشتاق کرده است و عده‌ی زیادی تأکید داشتند که برایشان مهم است که پژوهش‌گر، آن‌ها را از نتیجه‌ی پژوهش باخبر کند و از سویی برخی از مسؤولان و نهادهای حاکمیتی و سرمایه‌گذاران نیز از طریق افراد واسطه، جویای دلایل اجرای این پژوهش و اعلام نتایج آن شده‌اند. اگرچه این اشتیاق از سوی جامعه‌ی علمی مطرح نشده و بیشتر از سطح جامعه بازخورد داشته است، اما به نظر می‌رسد شناخت مسائل یک جامعه و بررسی و ارائه‌ی راهکار برای رفع آن، تضادی با رسالت یک پژوهش ندارد و به نوعی این یک وظیفه است که گامی هرچند کوتاه برای رفع مشکلات و ایجاد آگاهی در جامعه برداریم.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم حق به شهر اولین بار از سوی لوفور که از نظر او شامل دو مؤلفه‌ی اصلی اختصاص-دادن شهر به خود (یا استفاده از شهر) و مشارکت در شهر است، مطرح شد. حق به شهر، خلق یک شهر متفاوت است، حق به شهر معنایی فراتر از تقسیم عادلانه شهر موجود یا حق برابر نسبت به آن دارد. هاروی از قول رابرت پارک[1] حق به شهر را برای خلق یک شهر دلخواه می‌داند. فراخوان برای پیاده‌سازی حق به شهر، چشم‌انداز جهانی بهتر را به شعاری سیاسی، مفید و عملی تبدیل می‌کند. این رویکرد، همان چشم اندازی است که قصد داشته به فراتر از باز توزیع منابع موجود رفته و حق تحقق ارزش‌های دیگر را که به زندگی انسان ارزش زندگی‌کردن می‌بخشند، مطالبه کند. در نوشته‌های لوفور حق شهری همانند یک سبد مفهومی معرفی می‌شود که بسیاری از حقوق اجتماعی دیگر را نیز شامل می‌شود. خوانش‌های متعدد حق شهری در طی دو دهه‌ی گذشته ابعاد جدیدتری از این مفهوم را آشکار ساخته است که در ادامه با دسته‌بندی حقوق برآمده از مفهوم حق شهری به معرفی و تحلیل هر کدام پرداخته شده است.

حق تخصیص فضاهای شهری به شهروندان: این مفهوم با تأکید بر فضای شهر، حق شهری برای یک شهروند را در مکانی‌بودن آن می‌داند. به عقیده‌ی وی شهر مکانی برای تعامل و تبادل اجتماعی میان افراد متفاوت است؛ شهر یک فضای همگانی است (میچل[2]، ۲۰۰۳) حق تخصیص

[1] Robert Park
[2] Mitchell

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فضا به شهروندان صرفاً حق بهره‌مندی از فضاهای موجود شهر نیست؛ بلکه تولید فضا هم‌راستا و پاسخ‌گو به نیازهای ساکنان شهر نیز هست (پرسل[1]، ۲۰۰۳).

حق مشارکت: ایده‌ی لوفور در مورد حق مشارکت اشاره به مرکزیت شهروندان در تصمیم-گیری در اموری است که به‌طور مشخص فضای شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. لوفور مشارکت ساکنان را صرفاً امتیازی از جانب دولت به آن‌ها نمی‌داند؛ بلکه معتقد است مشارکت تکاپویی سیاسی به منظور افزایش کنترل و خودگردانی ساکنان بر شهر است (پرسل و تایمن[2]، ۲۰۱۵).

حق مرکزیت: حق حضور ساکنان شهر در مرکزیت فضایی و مرکزیت تصمیم‌گیری از مبانی پایه‌ی حق شهر است که در طی دوران اخیر تنزل یافته است. شهریت بدون مرکزیت، بدون هسته‌ای پویا، سرزنده و همه شمول امکان‌پذیر نیست (لوفور، ۱۹۹٦: ۲۰۸) از این منظر حق شهر بهره‌مندی تمامی شهروندان از زندگی شهری، مرکزیت، آهنگ زندگی و استفاده‌ی کامل از زمان و فضا را می‌طلبد و هر فضای شهری که امکان ملاقات، تجمع و خدمات‌رسانی را فراهم آورد، در ایجاد مرکزیت نقش دارد (مریفیلد[3]، ۲۰۱۳).

حق شهروندیت شهری: حق شهری درواقع حق شهروندیت شهری است که موجب تجدید حقوق جمعی در قالب تخصیص فضا به شهروندان و مشارکت آن‌ها در اموری است که مستقیماً فضای شهر و زندگی روزمره‌ی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آیسین[4]، ۲۰۰۰). به همین دلیل، حق شهروندیت شهری نسبت به حق شهروندی، تصمیمات بیشتری را در امور شهری تحت نظارت شهرنشینان قرار می‌دهد؛ مثلاً اینکه در کجا سرمایه‌گذاری شود، شغل‌های جدید ایجاد شود، خط‌های حمل‌ونقل عمومی جدید راه‌اندازی شود، یا مسکن جدید ساخته شود یا هر تصمیم دیگری که به‌طور برجسته‌ای به تولید فضا در شهری که در آن ساکنند، مربوط باشد (پرسل، ۲۰۰۲).

[1] Purcell

[2] Shannon K. Tyman
[3] Merrifield
[4] Isin

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در ایران درخواست برای فضاهای شهری منطبق بر نیازهای مدنی شهروندان در زیست روزمره‌ی شهر به وضوح دیده می‌شود. فضاهای خودگردانی که از سلطه‌ی عرصه دولتی می-گریزند، تلاش ساکنان محله‌های فقیرنشین و سکونتگاه‌هایی غیررسمی برای ارتقای کیفی محیط که منتظر مداخله‌ی نهادهای رسمی دولت نمی‌نشینند، ظهور سمن‌ها که هریک سعی‌دارند برای بخشی از فضاهای زیست و زیستی‌شهر راه حلی بیابند (از سازمان‌های حمایت از کودکان کار تا ایمن-سازی محیط برای زنان‌آسیب‌پذیر) نمونه‌هایی از این خواسته هستند. خواسته‌هایی که گاه در خیابان‌های شهری نیز متجلی می‌شود (حبیبی و امیری، ۱۳۹٤: ۱۱).

مکان فضای فیزیکی، زمانی که فرآیندهای فردی، گروهی یا فرهنگی از طریق آن معنا پیدا کنند، «مکان» نامیده می‌شود (لاو و آلتمن[1]، ۱۹۹۲). اگر مکان را با دو بعد فیزیکی و اجتماعی در نظر بگیریم، بعد فیزیکی مکان، جنبه‌های طبیعی و بکر و همین‌طور محیط مصنوعی و ساخته‌شده به دست انسان را در برمی گیرد؛ بعد اجتماعی مکان نیز پیوندهای اجتماعی در مکان و نمادهای اجتماعی موجود در مکان را شامل می‌شود.

دلبستگی یا تعلق مکانی مفهومی چندبعدی و بین رشته‌ای است که جنبه‌های مختلفی از پیوند فرد با مکان را در هم می‌آمیزد. پیچیدگی نظری تعلق مکانی، از یک سو با مفهوم دلبستگی ارتباط پیدا می‌کند که دارای ابعاد شناختی عاطفی و رفتاری است و از سوی دیگر ناشی از این واقعیت است که احساسات انسانی درباره‌ی مکان‌ها از مکان‌هایی ناشی می‌شود که علاوه بر داشتن فضای سوری و ظاهر فیزیکی و رؤیت‌پذیر (همانند خیابان، کوچه، ساختمان و شبکه‌ی حمل‌ونقل) دارای ابعاد بوم‌شناختی اجتماعی و نمادین است (اسکنل[2] و گیفورد[3]، ۲۰۱۰؛ مورگان[4]، ۲۰۱۰؛ لاو و آلتمن، ۱۹۹۲).

مفهوم‌پردازی هویت[5]: مفهوم هویت یکی از مفاهیم پیچیده در علوم انسانی است که تعریف و بررسی آن به حوزه‌ی خاصی از دانش اختصاص نداشته و ردپای آن را در تمام عرصه‌های علوم انسانی می‌توان یافت؛ اما بنا به نظر اکثر محققان و صاحب‌نظران حجم اعظم مباحث و ادبیات

[1] Low&Altman
[2] Skanel
[3] Gifford
[4] Morgan
[5] Identity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مرتبط به هویت را باید در قلمروی علوم اجتماعی جست‌وجو کرد؛ زیرا هویت به مفهوم علمی آن، از ساخته‌های تازه‌ی علوم اجتماعی است که از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به جای خلق و خوی فردی و جمعی رواج یافته است (تاجیک، ۱۳۸٤: ۲٦).

هویت محیط اجتماعی (هویت اجتماعی): برجستگی نقش محیط اجتماعی مکان در شکل-گیری خودپنداری فرد. در این حالت، فرد بر پایه‌ی گروه اجتماعی واقع در مکان مورد نظر که در آن‌ها عضویت دارد و نیز پیوندهای اجتماعی با افراد حاضر در مکان خود را باز می‌شناسد و با آن احساس این همانی دارد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸ : ۳۹).

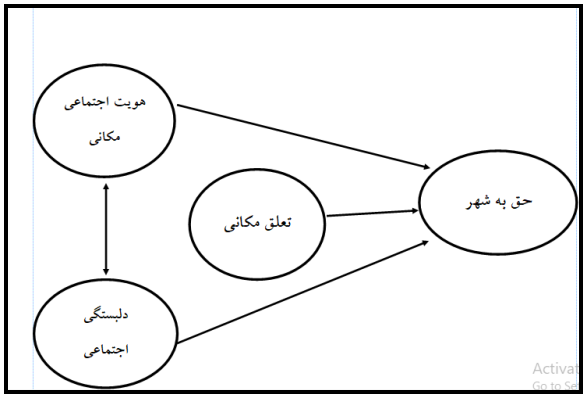
وابستگی به محیط اجتماعی مکان (وابستگی اجتماعی): وابستگی اجتماعی جز عملکردی دلبستگی که منابع و امکانات محیط اجتماعی و گروه‌های اجتماعی در مکان مورد نظر برای رفع نیازهای فرد و نیز تحقق اهداف او مورد توجه قرار می‌گیرد؛ هرچه توانایی امکانات اجتماعی مکان برای انجام فعالیت‌های مورد نظر فرد بیشتر باشد، وابستگی اجتماعی فرد به مکان بیشتر می‌گردد (اسکنل، ۲۰۱۰).

لوفور شهر را مهم‌ترین لایه‌ی تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری معرفی می‌کند. درواقع به نوعی او شهر را مکانی می‌داند که در آن ارزش اجتماعی فضاهای شهری با ارزش مبادله‌ای آن برابری می‌کند. در حق به شهر حداقل دو حق برای شهروند متصور شده است: حق تملک فضا و حق مشارکت شهری. به نظر می‌رسد حق مشارکت برای ساکنان یک شهر می‌تواند این فرصت را فراهم سازد تا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تصمیماتی که منجر به تولید فضای شهری می‌شود ایفای نقش کند. بنابراین حق به شهر با به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای بازتولید روابط اجتماعی قدرت و حق مشارکت قلمداد می‌شود. برای مثال شهرداری و شورای شهر به‌عنوان یکی از نمادهای مهم قدرت در شهر هستند. مردم می‌توانند با شرکت در انتخابات شورای شهر نمایندگان خود را راهی پارلمان شهری کنند و اعضای شورا به نمایندگی از مردم می‌توانند در انتخاب شهردار، در صدور مجوز و ساخت مکان‌ها و در پی آن فضایی که تولید خواهد شد تأثیرگذار باشند. اینکه یک مکان قدیمی که خاطرات بسیار زیاد و هویت شهر در آن نهفته شده است حفظ شود و از تخریب آن جلوگیری و بازسازی شود تا فضای جدیدی از این مکان بازتولید گردد؛ یا برای مثال در شهر آمل شاهد ساخت قارچ‌گونه‌ی پاساژها و مجتمع‌های تجاری برای فروش بیشتر هستیم. شورا و شهرداری می‌تواند به جای ریل‌گذاری در راستای منافع سرمایه‌داری، طوری برنامه‌ریزی کند تا شهر به نفع سرمایه‌داری توسعه پیدا نکند. همه‌ی ساکنان شهر دیده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شوند؛ از کولی‌هایی که در نواحی مختلف شهر از کمترین امکانات بهداشتی مانند حمام و سرویس بهداشتی برخوردار نیستند تا اقشار مختلفی که به خاطر بالارفتن قیمت مسکن دیگر قادر به خرید و حتی اجاره‌ی مسکن نیستند و به‌طور کلی توسعه‌ی متوازن و پایدار شهر را مد نظر قرار دهند و ده‌ها مثال از این دست می‌توان زد. اما فضا چگونه تولید می‌شود، مکان فی‌نفسه یک کالبد است، این احساس تعلق انسان‌هاست که ناشی از خاطرات و تصاویر ذهنی آن‌ها از یک مکان در طول زمان فضا را شکل می‌دهد و این‌گونه بر اساس ادراک افراد فضا تولید می‌شود و در طول زمان بر اثر این تعلق و احساس به مکان باز تولید فضا شکل می‌گیرد.

در مدل مفهومی، حق به شهر، متغیر وابسته و هویت اجتماعی مکانی و وابستگی اجتماعی، متغیر مستقل هستند. با توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده در حوزه‌ی نظری پژوهش می‌توان مطرح کرد که بر اساس مدل تحلیلی، احساس تعلق مکانی و دلبستگی بر حق به شهر تأثیر دارد.



شکل شماره‌ی یک- مدل پژوهش

بر اساس مدل نظری و اهداف پژوهش فرضیه‌های زیر مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد:

۱) به نظر می‌رسد تعلق مکانی بر حق به شهر تأثیر مثبت دارد.
۲) به نظر می‌رسد هویت اجتماعی مکانی بر حق به شهر تأثیر مثبت دارد.
۳) به نظر می‌رسد دلبستگی اجتماعی بر حق به شهر تأثیر مثبت دارد.

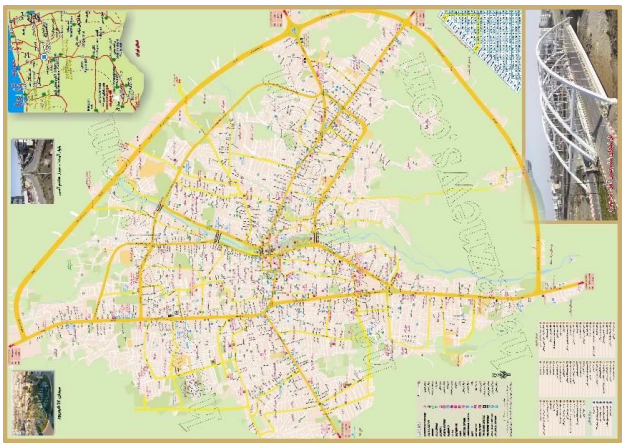
روش پژوهش

این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی است که برای گردآوری داده‌ها از روش پیمایشی بهره گرفته شد. پس از گردآوری داده‌ها با توجه به نوع فرضیه‌ها و سطح سنجش متغیرها از آزمون تحلیل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مسیر با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس اس [1] و برای تعیین برازش مدل معادلات ساختاری پژوهش از نرم‌افزار ایموس[2] استفاده شده است.

شهرستان آمل در مرکز استان مازندران از شمال به شهرستان محمودآباد، از شرق به شهرستان بابل، از غرب به شهرستان نور و از جنوب به استان تهران محدود می‌شود. این شهرستان ۳۱۸۵ کیلومتر مربع مساحت دارد و شامل چند بخش و شهر می شود . شهر آمل واقع در جلگه‌ی مازندران و طرفین رود هراز با ارتفاع ۷۶ متر از سطح دریا در ۵۲ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی و در فاصله‌ی ۷۰ کیلومتری غرب ساری، مرکز استان، هجده کیلومتری جنوب دریای مازندران و شش کیلومتری شمال دامنه‌ی کوه البرز و ۱۸۰ کیلومتری شمال شرقی تهران قرار دارد.



شکل شماره‌ی دو- موقعیت محدوده‌ی مورد مطالعه

بر اساس مدل نظری ارائه‌شده‌ی شکل ۱، بررسی برازش مدل ارائه‌شده با استفاده از نرم‌افزار ایموس صورت گرفت تا انطباق آن با واقعیت مشخص شود. به منظور سنجش متغیرهای مستقل و وابسته ابتدا متغیرها معرف‌سازی، سپس در قالب گویه‌ها و پرسش‌هایی که بر اساس مقیاس لیکرت تنظیم شده بودند، به پاسخ‌گویان ارائه شدند. در جداول ۱، ۲و ۳ تمامی این گویه‌ها آمده است.

[1] SPSS
[2] AMOS

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی یک- گویه‌های متغیر حق به شهر (متغیر وابسته)

متغیر	گویه ها
حق به شهر	حقوق شهروندان در این شهر به خوبی رعایت می شود.
	اگر ببینم کسی می خواهد حقوق شهروندان را تضییع کند سعی می کنم هرطور که بتوانم جلو اینکار را بگیرم.
	مسوولان به صورت عادلانه امکانات را به محلات مختلف اختصاص می دهند فرقی نمی کند بالای شهر باشد یا پایین شهر
	در شهر ما ثروتمندان و کسانیکه به جایی وصل هستند هیچ وقت حقشان پایمال نمی شود
	کارمندان ادارات و نهاد ها برایشان مهم است ارباب رجوع از چه طایفه ای هست و یا در کدام محله زندگی می کند تا کار اورا درست انجام دهند
	احساس می کنم اگر من شهردار و شورای شهر آمل بودم همین کار ها را که الان آنها برای شهروندان انجام می دهند انجام می دادم .
	هر وقت رسانه ها از مسوولان شهری انتقاد می کنند آنها به سرعت سعی می کنند تا آن مشکل را برطرف کنند.
	با شرکت در انتخابات شورای شهر و مجلس می توانیم تغییرات مورد نظر مان را در مدیریت شهری انجام دهیم
	احساس می کنم مدام از سوی دوربین های شهر تحت نظر و کنترل هستم
	برای قرار گذاشتن با دوستانم در نقاط مختلف شهر محدودیتی برایم وجود ندارد

جدول شماره‌ی دو- گویه‌های متغیر وابستگی (متغیرهای مستقل)

متغیر	بعد	گویه
وابستگی	وابستگی اجتماعی	زمانی که دور از آمل هستم، بیش‌تر از همه دلتنگ همشهری‌های خودم می‌شوم.
		فکر نمی‌کنم مردم شهر آمل را شهر دیگری داشته باشد.
		شهر آمل بهترین شهر برای رسیدن به اهداف و تحقق آرزوهای من است.
		من از حضور در میان مردم شهر آمل و ارتباط با آن‌ها لذت می‌برم.
		شهر آمل را مانند خانه‌ی خودم دوست دارم.
		سفر به شهر آمل را به مردم شهرهای دیگر توصیه می‌کنم.
		اغلب، دوستان آملی من در اولویتم هستند.
		یکی از مهم‌ترین اهداف حضور من در محیط‌های مختلف شهر آمل، یافتن دوستان بیش‌تر است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی سه- گویه‌های متغیر هویت اجتماعی مکانی (متغیر مستقل)

متغیر	بعد	گویه
هویت	هویت اجتماعی	معمولاً در جمع افراد ناآشنا، هنگام معرفی خود، آملی بودنم را اعلام می‌کنم.
		اگر دست من بود، در انتهای فامیلی خود پسوند آملی اضافه می‌کردم.
		شهر آمل را شهر اولین‌ها می‌دانم.
		خیابان‌ها و محله‌های شهر آمل همیشه مرا به یاد دوران کودکی‌ام می‌اندازد.
		اگر روزی نام شهر آمل تغییر کند، خیلی تأسف‌بار خواهد بود.
		من به وجود همشهری‌های خود افتخار می‌کنم.
		من اغلب علاقه‌مند به دوستی با مردم شهر آمل هستم.
		من اغلب با همشهری‌های خود روابط گرم و دوستانه‌ای دارم.
		من در جمع مردم شهر آمل راحت‌ترم.
		من حس تعلق شدیدی به همشهری‌های خود دارم.
		من به تاریخ اجتماعی و سیاسی شهر آمل افتخار می‌کنم.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق برای هر دو نوع متغیر مستقل و وابسته، پرسش‌نامه است. روایی و اعتبار متغیر مستقل یعنی حق به شهر با استفاده از نظرات متخصصین حوزه‌ی اعتبار سازه و تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت و در هر دو مورد نتایج قابل قبولی به دست آمد. البته با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور و دیگر متخصصان ذی‌ربط و همچنین متناسب با موضوع و شرایط و مختصات جامعه‌ی آماری تحقیق، تعدیلات و اصلاحاتی در این پرسش‌نامه‌ی استاندارد انجام شد. همچنین برای تأیید اعتبار و پایایی این پرسش‌نامه ابتدا یک نمونه‌ی ۴۰ نفری مورد آزمون قرار گرفتند و سپس روی نمونه‌ی اصلی تحقیق اجرا شد.

جامعه‌ی آماری مجموعه‌ای از افراد یا اشیا است که درباره‌ی اعضای آن می‌خواهیم موضوع یا موضوعاتی را مطالعه کنیم. در تحقیق حاضر جامعه‌ی آماری کلیه‌ی جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال ساکن در شهر آمل هستند که بر اساس اطلاعات کسب‌شده از مرکز آمار ایران بنا بر سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر حدود ۱۱۱۴۲۸ نفر است.

از آنجا که تحقیق روی تمامی اعضای جامعه به دلایل زیادی از جمله بالابودن هزینه، کمبود پرسنل، زیادبودن اعضای جامعه‌ی آماری، کمبود وقت و... میسر و به صرفه نیست، دست به نمونه‌گیری می‌زنیم. نمونه‌ی آماری زیرمجموعه‌ی جامعه‌ی آماری است که خصوصیات و ویژگی‌های جامعه‌ی آماری را دارا است و درواقع معرف آن بوده و نتایج حاصل از مطالعه‌ی ویژگی‌های آن قابل تعمیم به کل جامعه‌ی آماری است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. این روش برای زمانی مناسب است که اولاً چارچوب جامعه‌ی آماری در اختیار نباشد و ثانیاً به لحاظ گستردگی واحدهای تحلیل، امکان گردآوری اطلاعات فراهم نباشد. در این تکنیک کسب نمونه‌ی نهایی نیازمند انتخاب چند نمونه‌ی مختلف است؛ در این تحقیق بر اساس ۱۰ خوشه‌ی اصلی انتخاب شدند و در مرحله‌ی بعد کوچه و بلوک ساختمانی به شکل تصادفی انتخاب گردیدند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران محاسبه شد. بر اساس این فرمول، حجم نمونه‌ی پیشنهادی ۳۸۲ نفر بود؛ ولی با توجه به احتمال دریافت پرسش-نامه‌های ناقص و برای بررسی تفصیلی و جامع‌تر، تعداد ٤۲۰ نمونه برای پژوهش انتخاب شد.

برای تعیین میزان پایایی ابزار سنجش، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای بررسی آلفای کرونباخ پرسش‌نامه، به صورت پیش آزمون ۱ ابتدا ٤۰ پرسش‌نامه در بین پاسخ‌گویان به‌صورت تصادفی توزیع شد، سپس از طریق نرم‌افزار اس پی اس اس آلفای هریک از متغیرهای پرسش‌نامه مورد محاسبه قرار گرفت که با حذف گویه‌های ناهماهنگ، آلفای هرکدام از متغیرهای پژوهش ـ به‌طوری‌که در جدول شماره چهار آمده ـ بر اساس ابزار سنجش از توافق داخلی برخوردار است.

جدول شماره‌ی چهار- آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیـــر		تعداد گویه	آلفای کرونباخ
حق به شهر	گویه ها	۱۰	۰/۹۱
هویت مکانی	گویه ها	۱۱	۰/٦۱
دلبستگی	گویه ها	۸	۰/٦۹
میانگین آلفای کلی			۰/۷۵۹

یافته‌های پژوهش

در یافته های توصیفی مشاهده می‌شود ۱۹۷ نفر (٤۸ درصد) افراد زن و ۲۱۳ نفر (۵۲ درصد) آن‌ها مرد هستند. ٤۰۲ نفر (۹۸ درصد) از افراد پاسخ‌دهنده‌ی آملی و تنها ۸ نفر (۲ درصد) آن‌ها از

[1] pretest

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سایر شهرستان‌ها هستند. ۳۵ نفر (۸/۵ درصد) از افراد از محله‌ی هراز و رضوانیه، ۵ نفر (۱/۲ درصد) از محله‌ی بلوار طالقانی، ۳۵ نفر (۸/۵ درصد) از افراد از محله‌ی بلوار بسیج، ٤۷ نفر (۱۱/۵ درصد) از افراد از محله‌ی بلوار منفرد، ۷۰ نفر (۱۷/۱ درصد) از افراد از خیابان امام رضا، ٦۷ نفر (۱٦/۳ درصد) از افراد از محله‌ی بلوار طالب آملی، ۱۸ نفر (٤/٤ درصد) از افراد از محله‌ی خیابان نور، ۳۳ نفر (۸ درصد) از افراد از محله‌ی پایین بازار و چاکسر، ۱٤ نفر (۳/٤ درصد) از افراد از مرکز شهر و ۸٦ نفر (۲۱ درصد) در سایر مناطق شهر سکونت دارند.

با توجه به استفاده از طیف لیکرت در گویه‌ها، از تحلیل‌های توصیفی برای بررسی وضعیت حق به شهر در محدوده‌های منتخب استفاده گردید. نمره‌های پاسخ‌گویان در دامنه‌ی ۱-۵ قرار می‌گیرند که یک نماینده حق به شهر خیلی پایین و ۵ نماینده حق به شهر بالای شهروندان است. همچنین نشان داد که وضعیت کلی حق به شهر در محدوده‌های منتخب در حد متوسط با امتیاز ۱/۷ است. (دامنه‌ی خیلی زیاد و زیاد با هم و دامنه‌ی کم و خیلی کم با هم ادغام شدند.)

با توجه به مدل تحلیلی پژوهش، به بررسی چگونگی ارتباط میان عوامل محیطی و اجتماعی و حق به شهر در محدوده‌های مورد مطالعه در شهر آمل پرداختیم. مهم‌ترین عواملی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: سه متغیر تعلق مکانی، هویت اجتماعی مکانی، دلبستگی اجتماعی. در ابتدا به تحلیل همبستگی میان این متغیرها با حق به شهر و سپس با کمک تحلیل مسیر، نسبت به آزمون مدل تحلیلی اقدام شد.

جدول شماره پنج- شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیر وابسته(حق به شهر)

متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	دامنه تغییرات
حق به شهر	۱/۷	۲	۲	۰/۵۲	۱	۳	۲

جدول شماره ی شش- بررسی همبستگی متغیرها با حق به شهر در شهر

هویت اجتماعی مکانی		دلبستگی اجتماعی		تعلق مکانی	
ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
٤۹۳ .۰**	۰۰۰ .۰	۲۱۳ .۰*	۰۲۳ .۰	۳۵۷ .۰**	۰۰۰ .۰

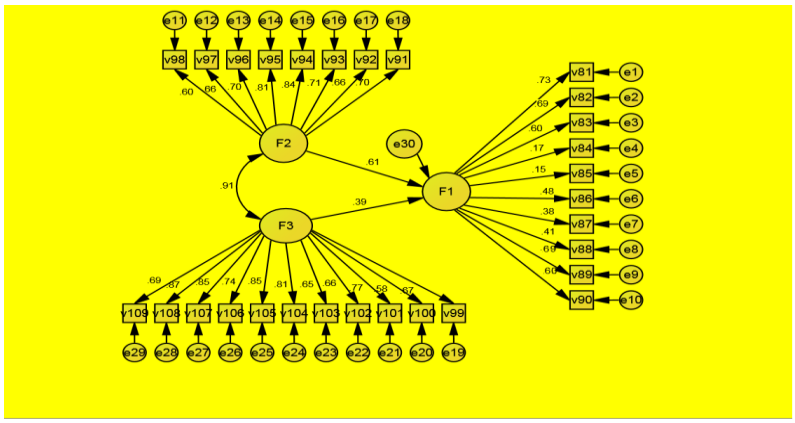
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نتایج تحلیل مسیر گویای آن است که از میان متغیرهای محیطی مورد بررسی، سه متغیر تعلق مکانی، هویت اجتماعی مکانی و وابستگی اجتماعی در مدل وارد شده‌اند. در بررسی تأثیرات مستقیم متغیرهای فوق بر حق به شهر مشخص گردید که تعلق مکانی با ضریب بتای ۰/۲۵۵ دارای بیشترین تأثیر بوده و هویت اجتماعی مکانی با ۰/۰۹۷ دارای کمترین تأثیر غیرمستقیم بوده است.

جدول شماره‌ی **هفت- تحلیل مسیر و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل حق به شهر شهروندان**

متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیر کل
تعلق مکانی	۰/۲۵۵	۰	۰/۲۵۵
هویت اجتماعی مکانی	۰/۲۲۲	۰/۰۹۷	۰/۳۱۲
دلبستگی اجتماعی	۰/۲۰۶	۰	۰/۲۰۶

برای برآورد اعتبار سازه[1] متغیرهای پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار اموس استفاده شد. با توجه به نتیجه‌ی شاخص‌های تحلیل عامل تأییدی، گویه‌های همه متغیرهای پژوهش، توان سنجش سازه‌های مدنظر را دارند. در نمودار زیر ضرایب هر کدام از شاخص‌ها آورده شده است:



نمودار شماره‌ی یک- مدل معادلات ساختاری

[1] Construct validity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی هشت- شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	CMIN	GFI	AGFI	CFI	IFI	TLI	NFI	RMSEA
مدل پژوهش	۲/۱۸۰	۰/۹۱۸	۰/۸٦٥	۰/۹۰٤	۰/۹۰۷	۰/۸٦۸	۰/۸٤۱	۰/۰۷۷

به منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی از چند شاخص استفاده شده است. بر پایه‌ی قرارداد، مقدار GFI ,NFI ,ITI ,TLI AGFI و CFI باید برابر یا بزرگ‌تر از ۹٪ باشد که بزرگ‌تر از ۹٪ شده است که نشان‌دهنده‌ی مطلوبیت برازش مدل است. همچنین شاخص کای‌اسکویر نسبی (CMIN/DF) درصورتی‌که کمتر از ۳ باشد مطلوب است که در مدل حاصله ۲/۱۸۰ شده است. ریشه‌ی دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) ۰/۰۷۷ به‌دست‌آمده که بیان‌گر برازش خوب مدل با داده‌هاست. علاوه بر آن نتایج معنی‌داری ضرایب مسیر نشان داد که همه‌ی ضرایب معنی‌دار هستند. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل، با توجه به جدول مطلوب است. دامنه‌ی مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیان‌گر این است که مدل مفروض تدوین‌شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر برازش داده‌ها با مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

از رهگذر بررسی و تحلیل متون متعدد پیرامون مفهوم حق به شهر، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که شهر متعلق به تمام افرادی است که در آن زندگی می‌کنند. حق به شهر یک حق انسانی است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق انسانی به این معنی است که هر انسانی صرف نظر از ملیت، قومیت و ویژگی‌های فرهنگی، تنها به دلیل انسان‌بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. حس مکان و تعلق مکانی به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل در این پژوهش از مباحث مهمی است که طی سال‌های اخیر به آن پرداخته شده است و از آنجایی که این مفهوم ارتباط نزدیکی با سایر ویژگی‌های محیط‌های شهری همچون کیفیت محیط، نظم محیطی و... دارد، بر این اساس می‌توان حس تعلق مکانی را نیز به‌عنوان یک متغیر محیطی، ادراکی در بررسی حق به شهر مورد بررسی قرار داد. حس مکان و تعلق مکانی یکی از متغیرهای تعیین‌کننده‌ی رضایت از مکان سکونت و کیفیت زندگی است و با توجه به آنکه رضایت از سکونت‌گاه محلی یکی از قوی‌ترین تعیین-

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کننده‌های حق به شهر است و رابطه‌ی مستقیم با آن دارد، نشان می‌دهد که رضایت از مکان، حق به شهر را افزایش می‌دهد. بر این اساس می‌توان گفت که میان تعلق مکانی با حق به شهر و احساس حق به شهر افراد رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. تحلیل داده‌ها در شهر آمل نشان داد که در کل نمونه‌ی آماری بین حس تعلق مکانی و حق به شهر رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. به این معنی که با افزایش حس تعلق مکانی، حق به شهر نیز افزایش می‌یابد. بررسی این رابطه در محلات و خیابان‌های مختلف آمل از بالای شهر گرفته تا پایین شهر گویای آن است که در همه‌ی آن‌ها رابطه‌ی معنی‌داری بین حس تعلق مکانی و حق به شهر وجود داشته است. می‌توان این‌گونه توضیح داد که هرچه ساکنان شهر در این محدوده‌ها احساس تعلق بیشتری می‌کنند و وابستگی بیشتری به محیط دارند، ترس از دادن مکان زندگی (به واسطه‌ی قول‌نامه‌ای بودن و نداشتن حق تصرف یا به واسطه‌ی اجاره‌ای بودن منزل)، باعث می‌شود که آن‌ها احساس حق به شهر کمتری داشته باشند.

در این پژوهش در بررسی نتایج میزان حق به شهر بر حسب متغیرهای زمینه‌ای در نظر گرفته شده، سهم حق به شهر زنان نسبت به مردان بیشتر است. به همین ترتیب افرادی که منزل شخصی دارند نسبت به افرادی که منزل آن‌ها سازمانی و رهن و اجاره هست حق به شهر بیشتری دارند. یکی از مؤلفه‌های مهم حق به شهر حق مالکیت است که طبیعتاً انتظار می‌رفت که افرادی که احساس مالکیت بیشتری دارند، احساس بیشتری از حق به شهر داشته باشند. در بررسی منطقه‌ای میزان احساس حق به شهر خیابان امام رضا آمل بیشترین میزان احساس حق به شهر گزارش شده است. یکی از مؤلفه‌های مهم حق به شهر مشارکت است. این منطقه از آمل بیشترین میزان مشارکت در انتخابات و مشارکت سیاسی را به ویژه انتخابات شورای اسلامی شهر آمل داشته است. همین‌طور خیابان نور یا شیخ فضل‌الله نوری دارای کمترین میزان حق به شهر و تعلق خاطر مکانی است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل پایین بودن حق به شهر در این منطقه به خاطر این است که شمار زیادی از ساکنان این منطقه وابستگی به شهر مجاور آمل، شهر نور داشته و زادگاهشان و محل زندگی اکثر اقوامشان در آن شهر است. همین‌طور عدم مالکیت محل سکونت پاسخ‌دهندگان در این منطقه هم می‌تواند در پایین‌بودن حق به شهر و میزان تعلق مکانی تأثیر داشته باشد. به نظر می‌رسد علاوه بر این موارد، از مهم‌ترین موارد پایین‌بودن حق به شهر در این منطقه احساس جوانان نسبت به بی‌توجهی نهاد حاکمیت برای اختصاص امکانات در این منطقه است. عدم وجود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فضاهای عمومی برای جوانان برای حضور جمعی و ایجاد خاطرات جمعی هم در این منطقه و هم سایر مناطق محسوس است.

بر اساس چارچوب نظری و پیشینه‌های تحقیق مدل نظری آزمون‌شده حاکی از این است که کلیت مدل مورد قبول و مطلوب است و می‌توان نتیجه گرفت که این سه متغیر مستقل به شکل معنادار آماری بر متغیر حق به شهر تأثیر قابل قبول دارند. نتایج تحلیل مسیر گویای آن است که از میان متغیرهای محیطی مورد بررسی، سه متغیر تعلق مکانی، هویت اجتماعی مکانی و دلبستگی اجتماعی در مدل وارد شده‌اند. در بررسی تأثیرات مستقیم متغیرهای فوق بر حق به شهر مشخص گردید که تعلق مکانی با ضریب بتای ۰/۲۵۵ دارای بیشترین تأثیر بوده و هویت اجتماعی مکانی با ۰/۰۹۷ دارای کمترین تأثیر غیرمستقیم بوده است. همچنین یافته‌های این پژوهش به لحاظ تحلیلی و مقایسه‌ای هم‌سو با پژوهش پورمحمدی و روستایی (۱۳۹۸) و هانکوک (۲۰۱۷) است. لذا می‌توان نتیجه گرفت بر اساس این پیشینه‌ها و مدل نظری آزمون‌شده، هم اعتبار سازه و هم اعتبار تجربی این پژوهش مورد توجه و مطلوب است. با توجه به اینکه حق به شهر جوانان آملی در حد متوسط است، به نظر می‌رسد جوانان آملی از نحوه‌ی مشارکتشان در امور شهری ـ که از ابعاد مهم حق به شهر است ـ صرفاً از طریق انتخاب اعضای شورای شهر را کافی و عادلانه نمی‌دانند؛ چرا که فکر می‌کنند افراد انتخاب‌شده بعضاً برای منافع خودشان کار می‌کنند. ضمن اینکه شورای شهر هم قدرت کافی را برای دست‌یابی آن‌ها به یک شهر ایده‌آل ندارد. بنابراین برای افزایش احساس تعلق و احساس مالکیت به فضا و به طور کلی افزایش حق به شهر نیازمند مشارکت مستقیم جوانان از طریق سمن‌ها و گروه‌های اجتماعی در سطح محلات و شهر هستیم. ضمن اینکه تصمیمات اخذ شده در مدیریت شهری باید به صورت شفاف از طریق رسانه‌ها و به ویژه فضای مجازی در اختیار جوانان و کنش‌گران اجتماعی قرار گیرد و بر اساس قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، تمامی دستگاه‌های دخیل در مدیریت شهری و توسعه شهر موظف به ارائه و اجرای این قانون باشند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. پورمحمدی محمدرضا، روستایی، شهریور و احمد اسدی (۱۳۹۸) بررسی سرزندگی و رابطه آن با انتخاب نواحی مسکونی (مطالعه موردی؛ بافت فرسوده مرکزی شهر زنجان) فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی بهار، دوره ۲۳ ، شماره ٦٧ : ٤٥ – ٦٥ .

۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸٤) «انسان مدرن و معمای هویت»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی**، شماره‌ی ۲۱: ۱۰–۲۸.

۳. حبیبی، سید محسن و مریم امیری (۱۳۹٤) «حق به شهر: شهر موجود و شهر مطلوب آن‌چه هست و آن‌چه باید باشد»، **پـژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**، ۵ (۲): ۳۰–۹.

٤. دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور و مریم چرخچیان (۱۳۸۸) «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی**، تابستان شماره‌ی ۳۸: ٤۸–۳۷.

۵. رفیعیان، مجتبی و نینا الوندی پور (۱۳۹۵) «مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر، در جست‌وجوی مدل مفهومی»، **مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران**، ١٦ (۲): ٤۷–۲۵.

٦. رهبری، لادن، شارع پور، محمود (۱۳۹۳) جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۱ : ۱٤۱–۱۱٦

۷. شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر (۱۳۸۱) «رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، مطالعه‌ی موردی شهر تهران»، **فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی**، پاییز و زمستان، دوره‌ی ۱۰، شماره پیاپی ۲۰: ۱٤۷ – ۱۳۳.

۸. شارع‌پور، محمود؛ رهبری، لادن (۱۳۹۲) «جنسیت و تعلق فضایی: تأثیر معماری مدرن بر حذف فضاهای خصوصی»، مقاله‌ی ارائه‌شده در **کنفرانس زن، معماری و شهر**، مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات راهبردی معماری ایران، اسفند ۱۳۹۲: ۱٤۰–۱۲۱.

۹. مشفق، محمود و قربان حسینی (۱۳۹۱) «آینده‌پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره‌ی ۱۳۹۰ تا ۱٤۲۰»، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، سال چهارم، شماره‌ی اول، زمستان: ٤۲–۲۱.

۱۰. معروفی، حسین، وحیدی برجی، گلدیس (۱۳۹٤) «فضا و تحقق پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و الدفانس در پاریس»، فصل‌نامه‌ی مطالعات شهری، شماره‌ی ١٦، پاییز: ١٤–۵.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۱. مهدوی، شهرزاد و روزبه نصیری آملی (۱۳۹۶) «ارزیابی مفهومی "شهر جهانی"»، مقاله‌ی ارائه‌شده در **کنفرانس بین‌المللی رویکرد نوین در علوم انسانی**، فرانسه تیرماه ۱۳۹۶: ۷۶۳-۷۵۱.

۱۲. نیکخواه، هدایت؛ سرافراز، پرنیان و زهرا ولیپور (۱۳۹۹) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تعلق شهروندان به شهر بندرعباس»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، سال دهم، شماره‌ی ۳۵: ۱۱۶-۸۵.

۱۳. هاروی، دیوید و اندی مری فیلد (۱۳۹۱) **حق به شهر**، تهران: مهر ویستا.

۱۴. یغفوری، حسین و دیمن کاشفی دوست (۱۳۹۷) «ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه‌ی موردی: شهر پیرانشهر)»، فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره‌ی پیاپی ۳۵، زمستان: ۶۸-۵۷.

15. Bhan, Gautam (2009) «This Is No Longer the City I Once Knew". Evictions, the Urban Poor and the Right to the City in Millennial Delhi», **Environment and Urbanization** 21(1), 127-142.

16. Coleman, Nataniel (2013) «Utopian Prospect of Henri Lefebvre», **Space and Culture**, 16 (3): 349-363.

17. DeCerteau, Michel, (1984) **The Practice of Everyday Life**, Berkeley, University of California Press.

18. Fenster, T., (2016) «Day by Day- Protest by Protest: Temporal Activism and the Feminist Mizrahi Right to the City», **Cities**, JCIT-01752; No of Pages 7.

19. Hancock, C., Blanchard, S., and Chapuis, A., (2017) «Banlieusard. E. S Claiming a Right to the City of Light: Gendered Violence and Spatial Politics in Paris», **Cities**. JCIT-01798; P. 6.

20. James, Sarah W. (2013) «Rights to the Diverse City: Challenges to Indigenous Participation in Urban Planning and Heritage Preservation in Sydney, Australia», **Space and Culture**, 16 (3): 274-287.

21. Leontidou, Lila (2010) «Urban Social Movements in 'Weak' Civil Societies: The Right to the City and Cosmopolitan Activism in Southern Europe», **Urban Studies**, 47 (6):1179-1203.

22. Lefebvre, Henri (1996) **The Urban Revolution, translated by Robert Bononno,** New York: University of Minnesota press.

23. Low, Setha, M. and Irwin Altman (1992) «Place Attachment: A Conceptual Inquiry», in Irwin Altman and Setha M. Low (Eds.), **Place Attachment**, New York/ London: Plenum Press: 1-12.

24. Lsin E. (2000) «Introduction: democracy, citizenship and the city». In: Isin E. (ed.), **Democracy, citizenship and the global city**, pp. 1–21. Routledge, New York

25. Massey, D. (1994) **Space, Place and Gender**, Cambridge: Polity Press.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

26. May, T. , Perry, B. , Le Gales,, P. , Sassen, S. , Savage, M. (2005) «The Future of Urban Sociology», **Sociology**, V. 39, pp. 343-370.

27. Merrifield, A. (2013) **the Politics of the Encounter: Urban Theory and Protest under Planetary Urbanization**, Athens, GA: The University of Georgia Press. 25.

28. Mitchell, Don (2003) t**he Right to the City; Social Justice and the Fight for the Public Space**, London and New York: Gilford press.

29. Morgan Paul (2010) «Toward a Developmental Theory of Place Attachment», **Journal of Environmental Psychology**, 30: 11-22.

30. Purcell Mark. (2003) «Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant», **GeoJournal** 58: 99–108.

31. Purcell, M. & Shannon K. Tyman. (2015) «Cultivating food as a right to the city», **Local Environment: International Journal of Justice and Sustainability**, 20(10): 1132-1147.

32. Purcell, Mark (2014) «Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City», **Journal of Urban Affairs**, Vol36: 141-154.

33. Scannell, Leila and Robert Gifford (2010) «Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework», **Journal of Psychology**, 30: 1-10.

34. Scannell, Leila and Robert Gifford (2010) «The Relations between Natural and Civic Place Attachment and Pro-Environmental Behavior», **Journal of Environmental Psychology**, XXX: 1-9.

35. Tavolari, Bianca (2020) «The Right to the City: conceptual transformations and urban struggles», **Revista Direito Práx, Rio de Janeiro**. vol.11 no.1: 470-492.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]